

**امروز بیش از هر زمان دیگر، مردم تورم‌انتظاری خود را با توجه به قیمت‌های سرراستی که در بازارهایی چون ارز و طلا وجود دارد، شکل می‌دهند و در همین راستا «چسبندگی قیمتی» برآمده از «تورم‌انتظاری» هر گونه تلاش برای کاهش قیمت‌ها در کوتاه‌مدت را نقش بر آب می‌کند**

انتظاری در یک مقطع با تورم واقعی برابر نبوده و بیشتر از آن باشد، در این حالت، بازار دچار چسبندگی شده، و در حالی که به عنوان نمونه قیمت واقعی یک کالا باید کاهش یابد، این امر به وقوع نمی‌پیوندد. بنابراین سیاستگذاران اقتصادی بوسیله شوک‌های منفی و یا سیاست‌های دفعی، نمی‌توانند قیمت‌ها را کاهش دهند.

اصولاً هر چه کشورها پیشرفته‌تر باشند و دارای بازارهای باز و سیستم اطلاع‌رسانی قوی باشند، چسبندگی قیمتی در آن کشورها کمتر رخ می‌دهد و هر چه بازارها ابتدایی، اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت اقتصاد ضعیف‌تر و شکاف میان داده‌های ذهنی مردم و آنچه در عمل در اقتصاد رخ می‌دهد بیشتر باشد، چسبندگی قیمتی بیشتر خواهد بود. از این رو می‌توان بیان داشت که بازارهای اقتصاد ایران در مقایسه با اقتصادهای توسعه یافته دارای چسبندگی قیمتی بیشتری است. چسبندگی‌های بازار در اقتصادهای توسعه یافته اغلب خصلت کوتاه مدت دارد و در بلندمدت به باور اجماع اقتصاددانان، چسبندگی‌های قیمتی نمود نمی‌یابد. اما این مسئله در ایران، به گونه دیگری دیده می‌شود. «تورم‌انتظاری» شکل گرفته در دوران کنونی موجب شده تا حتی اگر در مقطعی بتوان تورم را کنترل کرد، قیمت‌های رو به پایین حالت چسبندگی داشته باشند. از همین رو سیستم قیمتی در بازارهای کنونی ایران قادر نیست تعادل‌های پایدار را ایجاد کند.

بر خلاف کشور ما، اگر امروز در کشورهای پیشرفته، با وجود انجام سیاست‌های انبساطی و تسهیل پولی، هنوز تورم رشد آن چنانی نکرده است، یک عامل کلیدی باعث آن است: «تورم

انتظاری». تورم‌انتظاری که به واسطه اعتماد عاملان اقتصادی به بانک‌های مرکزی و هدف‌گذاری قیمتی آنان، در سطح بسیار نازلی قرار دارد. در واقع در این کشورها مردم به عینه دیده‌اند که مقامات پولی، هر ساله یک هدف تورمی را در نظر می‌گیرند و آن را اعلان عمومی می‌کنند و در عمل هم اقتصاد از آن هدف تورمی پافرا تر نمی‌گذارد. به همین علت حتی زمانی که بانک مرکزی اقدام به تزریق نقدینگی می‌کند، چون نشان داده است که به هدف تورمی پایبند است، قیمت‌گذاری‌ها بر مبنای تورم‌انتظاری شکل می‌گیرد که برابر با هدف تورمی بانک مرکزی است و تورم از نقدینگی تاسی نمی‌گیرد.

بر این مبنای بانک مرکزی باید بتواند تورم‌انتظاری را خود شکل دهد. این قدرتی بس عجیب به مقامات پولی می‌دهد تا تورم را کنترل کنند؛ اما با وجود تورم‌افسار گسیخته کنونی که می‌رود تا به تعریف کلاسیک «آبر تورم» نزدیک شود، نمی‌توان از این ابزار سود جست. به بیان دیگر فعالان اقتصادی، انتظارات خود را بر مبنای گفته‌های مسئولان شکل نمی‌دهند. امروز بیش از هر زمان دیگر، مردم تورم‌انتظاری خود را با توجه به داده‌های گذشته و مهم‌تر از همه قیمت‌های سرراستی که در بازارهایی چون ارز و طلا وجود دارد، شکل می‌دهند و در همین راستا «چسبندگی قیمتی» برآمده از همین «تورم‌انتظاری» هر گونه تلاش برای کاهش قیمت‌ها در کوتاه‌مدت را نقش بر آب می‌کند.

بنابر آنچه گفته شد دولت در این سال‌ها با سیاست‌گذاری‌ها و عملکردی نابه‌جا و غلط، آرام‌آرام بسیاری از ابزارهای کنترلی خود بر اقتصاد را تضعیف و بعضی اثر کرده است. شاید اگر قوانین علم اقتصاد برای عملکرد اصولی و عقلایی و بر اساس حرکت در جهت منافع مردم یک کشور نوشته شده نمی‌شدند، اینگونه نیز نقض نمی‌شدند.

در دهه ۱۹۸۰ میلادی، در آمریکای لاتین تورم‌های عجیب و غریبی وجود داشت به طوری که نرخ تورم را ماهانه اعلام می‌کردند، نه سالانه. مثلاً برزیل یا آرژانتین ماهانه ۲۰ درصد تورم را تحمل می‌کردند که تورم سالانه را به ۲۴۰ درصد می‌رساند. ولی آنها توانستند با هم‌تیمی همه‌جانبه این مسئله را حل کنند و هم‌اکنون اقتصاد آمریکای لاتین در شرایط بسیار مطلوبی قرار گرفته است. در بازه کنونی، اقتصاد مانیز با دورهای باطل، تشدیدکننده و در هم تنیده «رکود»، «بیکاری»، «تورم» و «انحراف نقدینگی» روبرو است که برای رفع و یا تعدیل این معضلات در آینده، باید دولت بعدی به نحوی در این حلقه‌های بسته وارد شده و با مداومت و مقاومت در اجرای یک سیاست اصولی، آن‌ها را در هم بشکند. این

امر جز با خواست و انسجامی عمومی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، و بسیج تمامی ظرفیت‌های کشور در این راه امکان‌پذیر نخواهد بود.



۴۳ کشور دارای کمترین نرخ بیکاری		
ردیف	کشور	نرخ بیکاری (درصد)
۱	تایلند	۰/۶
۲	سنگاپور	۱/۹
۳	مالزی	۲/۷
۴	کره جنوبی	۲/۸
۵	سوئیس	۳
۶	نروژ	۳/۱
۷	هنگ کنگ	۳/۳
۸	چین	۴/۱
۹	ژاپن	۴/۲
۱۰	تایوان	۴/۳
۱۱	اتریش	۴/۴
۱۲	مکزیک	۴/۷
۱۳	روسیه	۵/۲
۱۴	عربستان	۵/۴
۱۵	برزیل	۵/۴
۱۶	استرالیا	۵/۴
۱۷	پاکستان	۶
۱۸	اندونزی	۶/۱
۱۹	دانمارک	۶/۳
۲۰	شیلی	۶/۵
۲۱	هلند	۶/۸
۲۲	آلمان	۶/۹
۲۳	سوئد	۷/۱
۲۴	آرژانتین	۷/۲
۲۵	ونزوئلا	۷/۳
۲۶	بلژیک	۷/۴
۲۷	کانادا	۷/۴
۲۸	بریتانیا	۷/۸
۲۹	ایالات متحده	۷/۹
۳۰	جمهوری چک	۸/۵
۳۱	ترکیه	۸/۸
۳۲	هندوستان	۹/۸
۳۳	کلمبیا	۹/۹
۳۴	مجارستان	۱۰/۴
۳۵	فرانسه	۱۰/۸
۳۶	ایتالیا	۱۰/۸
۳۷	منطقه یورو	۱۱/۶
۳۸	لهستان	۱۲/۵
۳۹	مصر	۱۲/۶
۴۰	ایران	۱۲/۹
۴۱	اسپانیا	۲۵/۸
۴۲	یونان	۲۴/۴
۴۳	آفریقای جنوبی	۲۵/۵

پی نوشت ها:

۱) در تعریف مورد استفاده دولت، هر فردی که در هفته یک ساعت کار کرده باشد شاغل محسوب می‌شود اما تعریفی که در کنفرانس بین‌المللی آمار گبران نیروی کار ارائه شده است متفاوت بوده و بر آن اساس «فرد شاغل کسی است که حداقل یک سوم ساعات کاری هر سوم یک کشور را در دوره‌ای که مدنظر بر شش‌گراست (مثلاً یک هفته گذشته) مشغول به کار بوده باشد.» در این تعریف دیگر تفاوت ساعات کاری کشورها و دیگر مسائل مرتبط با آن رفع شده و معیاری جهت قیاس بین کشوری نیز فراهم می‌شود.

۲) برای آگاهی بیشتر در این زمینه، مراجعه کنید به مقاله «اقتصاد ما و چسبندگی قیمتی» نوشته دکتر پویا جبل عاملی

